

طومار شماره‌ی ۲۵ از نامه‌های پهلوی تبرستان (۱۰۳ پسایزدگردی)

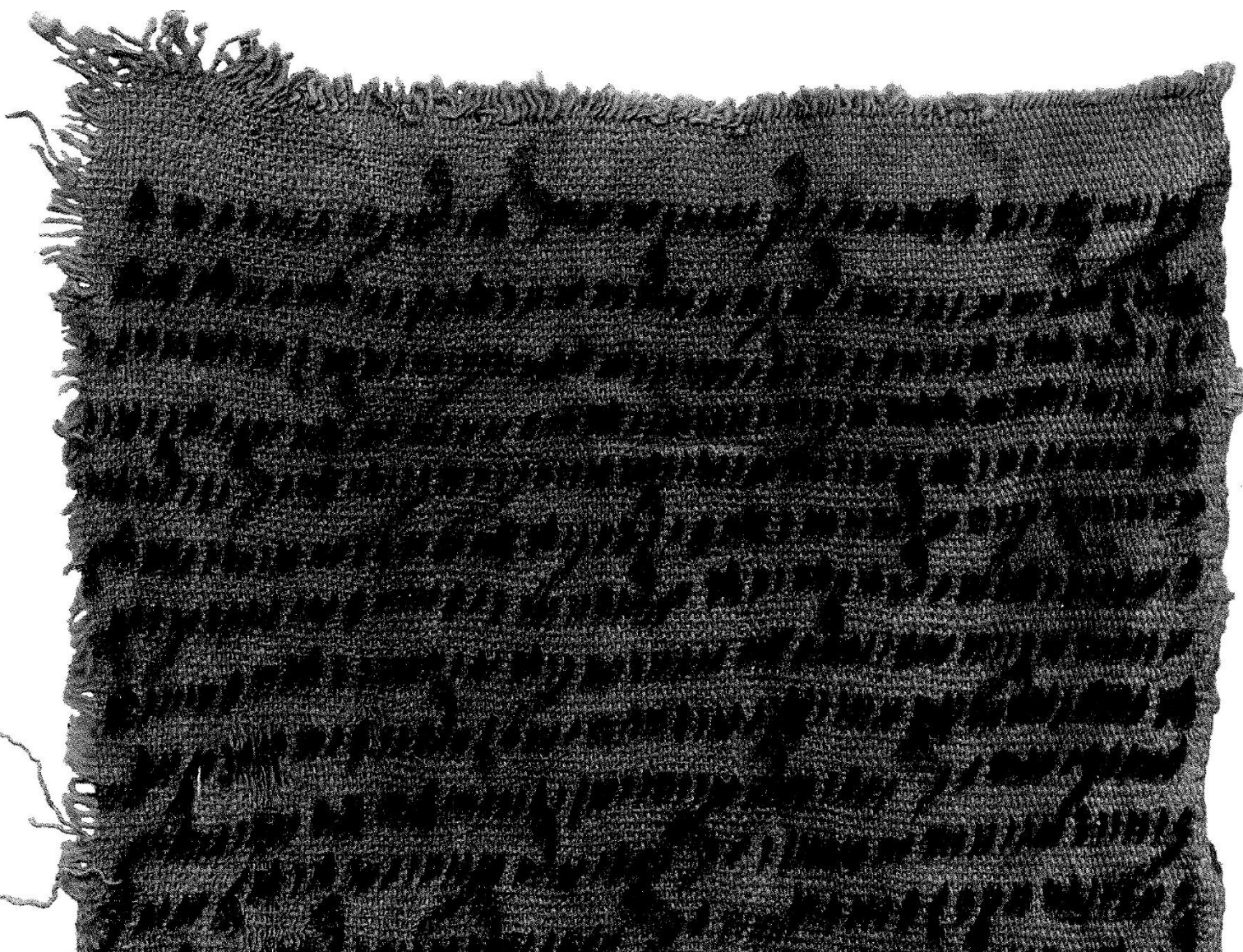
دیتروبر - ماریا ماتسوخ

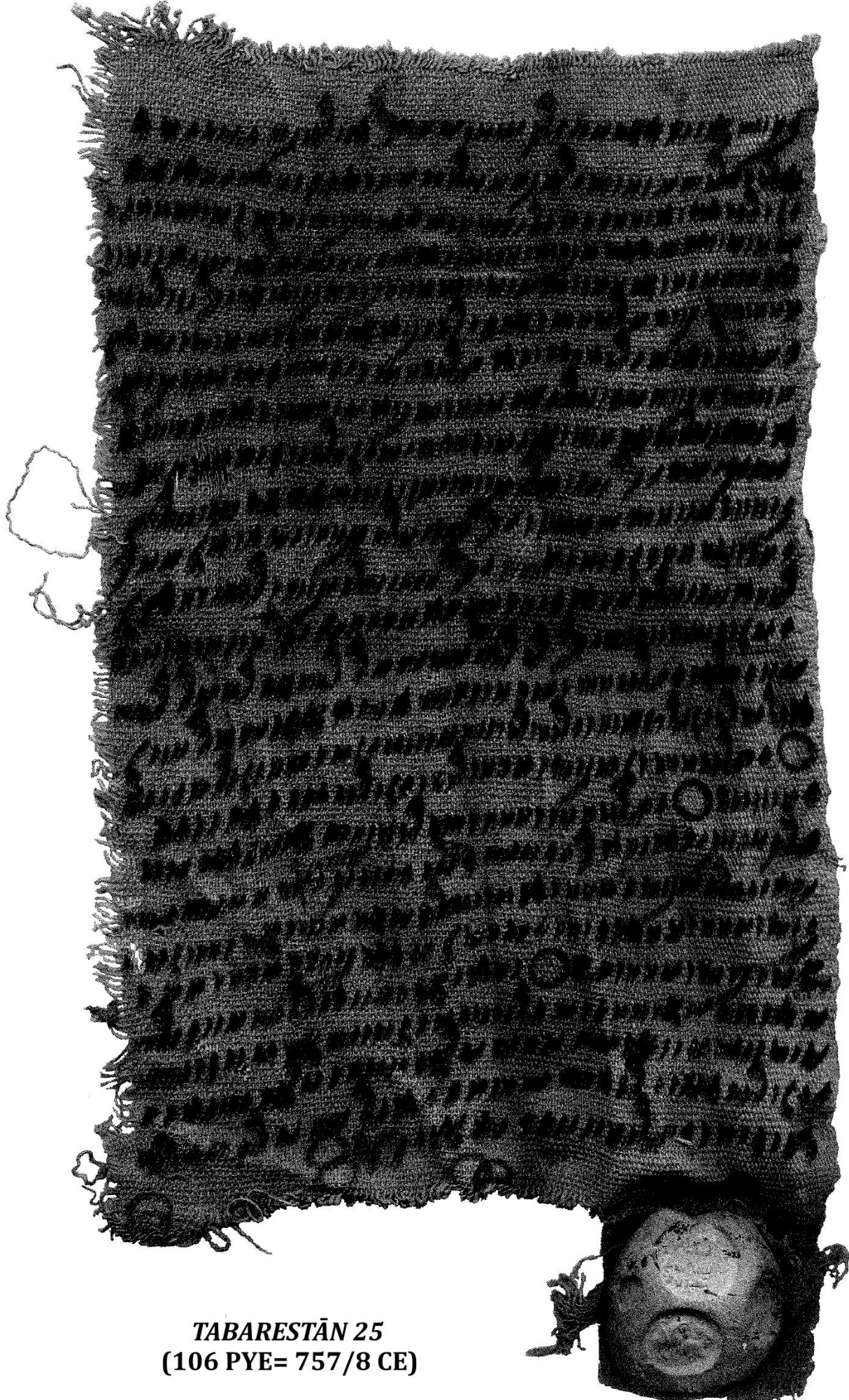
گردانش پویا غلامی

تصویر: اصل سند شماره‌ی ۲۵ به خط پهلوی تحریری. به دیرینگی ۱۰۳ پسایزدگردی؛ ۷۵۸/۷۵۷ میلادی (از مقاله‌ی دیتروبر، ۲۰۲۲)



fold-era.com





TABARESTĀN 25
(106 PYE= 757/8 CE)

سند ۲۵ از اسناد تبرستان | بر اساس خوانش‌ها و تفسیرهای دیتر وبر و ماریا ماتسوخ

[۱] ماه‌آمردادماه (پنجمین ماه) به سال ۱۰۶ (۷۵۷/۷۵۸ میلادی) پس از درگذشت اوی، یغ یزدگرد [خداوندگار یزدگرد]، [۲] شاه‌شاهان، کلان‌نوی خداوندگار خسروی اهرمزدان (=خسرو پور ارمزد)، و در روز بهمن (=وهمن‌روزی؛ دومین روز ماه)، وقتی [۳-۴] وُزورگ‌اومید [=بزرگ‌امید]، که در ناحیه‌ی دَمباوند [ماتسوخ: دو مِباوند/دُمباوند] مسئول سرپرستی بر کاروبارِ جاریِ قانون و نیز بر کاروبارِ جاریِ هر کس از زندگان در منطقه‌ی «درختستانِ فندق» در دَمباوند بود (خط ۵) تا به جای خشونتِ عشق فراهم آورد [ماتسوخ: تا عزیز دارد هر آن‌که را از سختی و خشونت رنج برده] [۵] به خاطرِ سوختنِ خان‌ومان‌ها (= مانی‌ها سوزیشن [پهلوی]) در همین منطقه‌ی «درختستانِ فندق» [= پُندیک‌بانی؛ فندق‌بانی؟]. مردمانی به نام بوخت‌اِنختا به وُزورگ‌اومید گفتند [ماتسوخ: مردانی (= دودمانی/تیره‌ای) معروف به بوخت به وُزورگ‌اومید اعلام کردند] [۶] به مردمانی [=دودمانی/تیره‌ای] به نام ایران‌گُشنسپ، پور گُرد [فرزندانِ دودمان گُرد؟]، از همین ناحیه‌ی «درختستانِ فندق» [وبر: از ناحیه‌ای بالادستِ تاکستان]: از سود [۷] دارایی‌ها [خواستگ سود (پهلوی)] در این روز وهمن (روز بهمن، دومین روز هر ماه) ایران‌گُشنسپ سرجمع [مبلغی] به ارزش ۵ استاتر نقره به‌عنوان [۸] حمایت مالی بدهد به کسانی (دودمانی/تیره‌ای) به نام شَهردیلان، پور یزدوی، زیونده در دهکده‌ی فروپاشیده [وبر: که در دهکده‌ی سقوط‌کرده (ضعیف‌شده (سوخته؟))، دچار پریشانی/زوال شده) می‌زیند]. [۹] از طرف شهردیلان، لازم است که هر چه زودتر تمام آن پول ۵ استاتر بازپرداخت شود [۱۰] به علاوه ۵ گریو گندم باید به شهردیلان داده شود (و) سپس پیوسته هرگاه شهردیلان گندم خواهد [۱۱] بنا به توافق واقعی بر سر مورد منازعه (گندم) باید به شهردیلان داده شود. اگر من حتی اندکی طور دیگر [جدا از این روش] عمل کنم [۱۲] آنگاه بنا به پیمان کرد [=توافق منعقدشده‌ی] همین روز وهمن با شهردیلان (خط ۱۳)، تاوان [افزوده‌ای] به ارزش ۳ استاتر باید به شهردیلان داده شود [۱۳] این گفته برای پرداخت نیز مقرر شد. [۱۴] و باید از آن پچین [=کُپی] تهیه کنید. نباید به من خشم بگیرید اگر آن [=تاوان/گندم] زودتر از روز آبان (دهمین روز ماه) و روز وهرام (بیستمین روز ماه) (خط ۱۵) به دست‌تان نرسید [وبر: و تهیه‌ی یک کپی ضرورت دارد تا مبادا از من خشمگین شوی اگر زودتر از...]. [۱۵] و همراه با ایران‌گُشنسپ این مسئله مقرر شد، که چه وقت آن چیز برایم [از جانب من] اداکردنی/پرداختنی است [۱۶] و این سند مَهر شود با مَهر تو. با تو سندی منعقد می‌شود درباره‌ی هر کبیز تاوانی که باید داده شود [وبر: با تو بر سر هر سهمیه‌ی تاوان تصمیم گرفتیم] [۱۷] و ایران‌گُشنسپ و بوخت گفتند «راست!» [«درست است!»] یا «چنین باد!» [و وُزورگ‌اومید و نیز آنانی که نزدیک‌اش نشسته بودند (۱۸) [۱۸] و ایران‌گُشنسپ گفت این ماه‌آمرداد به سال [۱۹] ۱۰۶ و روز وهمن من پیمان کردم (خط ۲۱) که مجموع ۵ استاتر نقره در حمایت از [۲۰] شهردیلان بدهم (چنانکه) بوخت، درباره‌ی شهردیلان اهل همان ناحیه گفته: هر گفته‌ای چونان [۲۱] آنچه بوخت گفته. و نیز درباره‌ی آن موضوعی که درباره‌اش بوخت گفت: پس [۲۲] باید دوباره نوشته و گفته شود. و این نامه مَهر شد، همراه با مَهر رونوشت‌ساز یا پچین‌گر [آنکه کپی یا رونوشت فراهم کند] [۲۳] متعلق به مهریگ [وبر: که مسئولی است] از همان ناحیه‌ی [۲۴] پُندیک‌وَنی رهنمود داد [فرمود] بهر آنانی که گزند یا خسارت دیده‌اند [به رنج‌اند] از خشونت و آسیب وارده به زمین کشاورزی و [۲۵] وُزورگ‌اومید و دبیرِ دوزز با مَهر فرخزاد (وبر: [۲۴-۲۵] ... پس او بذرها/دانه‌هایی و حتا اجبارا بذرها/دانه‌هایی بیشتر خواست و وُزورگ‌اومید و دبیرِ دهکده‌ی رَز [= شراب] با مَهر فرخزاد...) [۲۶] که این نامه نوشت و ایران‌گُشنسپ مَهر [تایید] بر آن زد.

شرح دیتروبر بر این سند:

این سند نخستین بار در ژنیو ۲۰۱۶، ص. ۱۸۰-۱۸۱ منتشر شد.

این سند سه بخش را دربردارد: الف) معرفی همراه با تاریخ و ذکر افراد مسئول و وظایفشان؛ ب) توصیف مسئله‌ای که باید ثبت شود، و پ) مَهرکردنِ نامه یا سند.

- سطرهای ۳ و ۴: نام جای *Dambāwand* (dnb'wnd) دَمبَاوند را بسنجید با دَمَاوند *Damāvand* امروزی؛ برای مطالعه درباره‌ی این نام بر روی مَهرها بنگرید به گیزلن ۲۰۱۹ (OTs6 and ATb901a).

- سطرهای ۳ و ۲۳: گرچه ریکا گیزلن (در نامه‌ای به تاریخ ۲۴ ماه مه ۲۰۲۱) خوانش محتاطانه‌ای به این صورت ارائه داد:

Dar<-ī->[sp?]āhbed; dar-spāhbed

که به معنای «فرمانده‌ی کاخ (قلعه یا کوشک)» است. لیک، من در عوض این صورت را ترجیح می‌دهم: **dar-espāšbed*

به معنای «ریاست نیروهای خدماتی (مقیم آنجا)» که بیشتر در سندهای پهلوی تبرستان به شماره‌های ۱۵، ۳، ۱۷، ۳، ۱۸، ۳ نیز آمده بود.

- سطرهای ۴، ۵ و ۲۴: نام جای پُندیک و نیه (*pndk wnyh*) = «(ناحیه‌ی) درختستانِ فندق»، برای پسوندِ «-یه» [در «وَنیه»] بنگرید به وبر ۲۰۰۷ الف (ch. 6.2.2.1.17. پسوندِ «-یه» [-ih] از هر دوی نام‌ها و صفت‌ها، «اسم معنی» می‌سازد.)

- سطر ۴: ترکیبِ *must pad-iš friy* مُست پَدیش فَری به معنای «عشق به جای سرکوب»، بنگرید به:

cf. Man. **pry!!** 'love'; see also *Mahfriy* fem.p.n. **Berk. 5, 6** (Gignoux 2009a, 120 with ill. p. 133, see alongside)



- سطرهای ۸ و ۱۹: خوانشی که در نخستین نگاه به صورتِ (*SWSY'*) داریم بسیار تردیدآمیز است زیرا در ادامه‌اش تعداد یا شمار اسب‌های (فرضا) مد نظر نیامده است. از این رو معقول به نظر می‌رسد که خوانشی بدیل را پی بگیریم، که در اینجا به صورتِ (*dwsyh*) = *dōših* (دوشیه)، به معنای «پشتیبانی، حمایت» است.

- سطر ۹: برای اصطلاح *pad kard* به معنای دقیق کلمه «برای آن کار»، ترجمه‌ی روان‌تر، یعنی «در این مورد»، برگزیده شد.

- سطر ۱۶: من معادلِ «سهمیه [دانگ، جیره]» به جای «کبیز» [*kabīz*] استفاده می‌کنم که خود اصطلاحی پرآوازه برای حیوانات و غلات، اما همچنین کلا برای «اندازه‌گیری» است، خاصه وقتی با نویسه‌ی علامت‌نگار یا هتروگرام (*GB'*) کبیز، نوشته شده باشد، که یعنی «سنجه، سهم» به معنی «پیمانَه».

- سطر ۲۲: نویسه‌ی (*ZK*) قبل از دایره آمده و آشکار و مشخص است و از همین رو تأکید می‌کند بر اینکه بوخت [بُخت] پیشتر چه گفته است. واژه‌ی *paččēngarih* [پَچین‌گری] در اینجا با «دفتر تَهبیه‌ی رونوشت یا کپی» گردانده شده است، همراه با سطر ۱۴ که در آن تَهبیه‌ی یک کپی به خاطر تأمین صحت و امنیت اجرایی این معاهده تقاضا شده است.

- سطر ۲۵: دهکده‌ای با نام «رَز دِه» یا دَو رَز، با استفاده از هتروگرام آمده است و خود تاکستان‌ها یا رَزستان‌ها در اینجا مورد نظرند، نظر به اینکه رَز دِه نشان‌دهنده‌ی نام‌جایی با استفاده از تلفظِ پهلوی است.

بخشی کوتاه از شرح ماریا ماتسوخ درباره‌ی این سند:

تاریخ: روز و همن/بهمن (دومین روز ماه)، ماه امرداد (پنجمین ماه سال)، سال ۱۰۶ پسایزدگردی (= ۷۵۸/۷۵۷ میلادی)

این سند یک قرارداد وام است که تحت شرایطی خاص منعقد شده، شرایطی که در آن یک شخصیت کانونی به نام بوخت [بخت]، که او را از یکی از برجسته‌ترین مستندات مجموعه اسناد تبرستان (سند شماره‌ی ۲۴) می‌شناسیم، بار دیگر با خویشکاری آشکارا مشابهی از نو پیدا می‌شود، و نقش اش نوعی نماینده‌ی قانونی یا رسمی کوچک است، نوعی وکیل یا محضردار، چنانکه پیداست. سند با فیدکردنِ زمانِ دقیقِ ثبت سند آغاز می‌شود و (همچون همه‌ی دیگر اسناد این مجموعه) ماه و روز و سال را ضبط می‌کند، و تصریح می‌نماید که این سال در زمانه‌ی پسایزدگرد می‌باشد، روزگاری که در آن یک مسئول یا مأمور به نام و زورگ او مید [بزرگ‌امید] دارای صلاحیت قانونی [اختیارات قضایی] بر «ناحیه‌ی در-اسپاسبد» در منطقه‌ی دمباوند [= دوماوند؛ دماوند امروزی]، و بر منطقه‌ی دیگری در دمباوند به نام پُندیک‌ونی [فندق‌بانی] است که و بر آن را به «فندقستان یا درختستان فندق» گردانیده است. از پی این اظهارات آغازین، سند از رویدادی در ناحیه‌ی «پُندیک‌ونی» یاد می‌کند که اهمیتی تاریخی دارد. آشکارا، مأمور مسئول، و زورگ او مید، مردمان این ناحیه را به پشتیبانی و حمایت از همه‌ی آن اهالی و باشندگان فرامی‌خواند که در اثر سوختن خانه‌هایشان دچار سختی و رنج شده‌اند. آیا استفاده‌ی نگارنده‌ی سند از اصطلاح «موسْت/مُست [must]» به معنای «زور، خشونت، تعدی» حاکی از آن است که خانه‌های این مردمان به عمد و با خشونت و زور و اجبار توسط متجاوزان یا تعرض‌کنندگان [تازیان؟] به آتش کشیده شده؟ یا این عبارت تنها به رویدادی شوم اشاره دارد که ناحیه‌ی پُندیک‌ونی را به آتش کشیده؟ سند هیچ توضیح دیگری نمی‌دهد، لیک می‌توان به‌طور عقلانی استنباط کرد که واقعه‌ی آتش‌سوزی در اینجا یاد شده است تا پس‌زمینه‌ی قرارداد وام را روشن کند که تحت شرایطی ویژه و نامعمول منعقد گشته؛ شرایط انعقاد این قرارداد در سند قید شده‌اند.

شخص یادشده به نام بوخت [بخت] ابتدا شرایط قرارداد وام را برای مأمور مسئول رسیدگی قضایی در ناحیه‌ی پُندیک‌ونی، یعنی و زورگ‌امید شرح می‌دهد. همانطور که در سند ۲۴ تبرستان می‌بینیم، بوخت به نظر نمی‌رسد که بوخت خود مستقیماً به‌عنوان یکی از طرفین منازعه در این بحث یا معامله درگیر باشد. شوربختانه، هیچ یک از این دو سند منصبِ دقیق بوخت را روشن نمی‌کنند، لیک معلوم است که او سخنگو است، کسی که جزئیات توافق را به مأمور بالاتر به‌عنوان و زورگ‌امید گزارش می‌دهد، و مقام او در واقع نماینده‌ی شخص و ام‌دهنده یا به احتمال بیشتر، یکجور وکیل یا محضردار یا مأمور پایین‌رتبه است که هر دو طرف منازعه، یعنی ام‌دهنده و وام‌گیرنده، از وی درخواست کمک در این موضوع حقوقی کرده‌اند. نطق بلند او این نکات را تصریح می‌کند: وام‌دهنده مردی است از دودمانِ ایران‌گُشنسپ، پسرِ گُرد، که در همین ناحیه‌ی پُندیک‌ونی سکونت دارد. این شخص (ایران‌گُشنسپ) پیشنهاد می‌دهد که مجموع ۵ استاتر نقره از «سودِ خواستگ [مال، داشته]» برای پشتیبانی، به دودمانِ شهردیلان، پسرِ یزدوی، برساند که در همان «دهکده‌ی ویران‌شده» می‌زید. این موضوع خبر از این می‌دهد که وام مورد نظر یکجور کمک‌رسانی جهت بازسازی پس از آتش‌سوزی است، که به وام‌گیرنده یعنی شهردیلان امکان می‌دهد که کشت‌وکار یا شخم‌زدن زمین را پی‌گیرد، زمینی که - براساس همین سند - از آن گندم تولید می‌شود. قرارداد در مورد بوخت شامل دو توافق عمده است:

یک. نخستین توافق بر سر این است که وام‌گیرنده، شهردیلان ملزم به بازپس‌دادنِ بدهی ۵ استاتر به‌طور غیرنقدی [کالایی] با نرخ بهره‌ی *ibere*: و *xš* پنج تا یک است: ۵ گریو گندم در ازای هر استاتر نقره تا وقتی که تمام بدهی بازپرداخت شود (سطرهای ۹ و ۱۰).

دو. توافق دوم تصریح می‌کند که وام‌گیرنده، شهردیلان حق «طلبِ گندم [خواستنِ گندم]» دارد، آن هم «از آن پس به‌طور پیوسته»؛ البته اگر این گردانش درست باشد. و این شریکِ قرارداد (وام‌دهنده، ایران‌گُشنسپ) ملزم به برآوردن این خواست «بر اساس قرارداد جاری» است (سطر ۱۰-۱۱).

ساختار سند

- (۱) تاریخ: ماه، سال (دوره‌ی پسایزدگری) و روز.
- (۲) نام و محل سکونت مامور رسمی مسئول موضوع حقوقی.
- (۳) پس‌زمینه‌ی مورد یا پرونده.
- (۴) اظهاریه‌ی یک مامور یا وکیل یا محضردار یا نماینده‌ی طرفین درگیر این موضوع؛
 - (۴/الف) نام و محل سکونت وام‌دهنده.
 - (۴/ب) میزان دقیق وام پولی و دلیل دادن این وام.
 - (۴/پ) نام و محل سکونت وام‌گیرنده.
 - (۴/ت) شروط قرارداد:
- (۴/ت/۱) الزام وام‌گیرنده به پرداخت وام پولی با بهره.
- (۴/ت/۲) الزام پیوسته‌ی وام‌دهنده به اینکه سهم مشخصی از محصول/گندم را به وام‌گیرنده بدهد.
- (۴/ت/۳) دادن خسارت/تاوان به خاطر عدم بازپرداخت موضوع تعهد/الزام دوم.
- (۴/ت/۴) ارجاع سند به یک سند مجزای دیگر (وزیر: *wizīr*) و تصریح مقدار دقیق محصول و غرامت/تاوان.
 - (۵) تایید کلامی این دادوستد از سوی همه‌ی اشخاص حاضر.
 - (۶) اظهار مستقیم وام‌دهنده در تایید مقدار وام، دلیل وام و تاریخ وام.
 - (۷) تهیه‌ی یک نسخه‌ی کپی [= پچین] از این سند.
 - (۸) تایید سند با مهرهای مامور مسئول امور کشاورزی، مامور مسئول حقوقی، دبیر و وام‌دهنده.



Source: MARIA MACUCH, 'PAHLAVI LEGAL DOCUMENTS FROM TABARESTAN: THE JURISTIC CONTEXT OF TAB. 16, 19, 20, 22BIS AND 25'; DIETER WEBER, 'PAHLAVI LEGAL DOCUMENTS FROM TABAREST AN: THE DOCUMENTS TAB.16, 19, 20, 22BIS AND 25: A PHILOLOGICAL APPROACH'; in *SOMETIMES SASANIAN, ALWAYS ĒR; RES ORIENTALES, Volumen XXIX, edendum curavit: Rika GYSELEN, Groupe pour l'Etude de la Civilisation du Mayen-Orient Bures-sur-Yvette 2022.*



fold-era.com



بشقاب نوازندگان؛ صحنه‌پردازی یک مجلس بزم و جشن (زیر خوشه‌های درخت زرز؟)؛ سیمین و زراندود؛ هنر (پسا) ساسانی سده‌ی ۷-۸ میلادی (تقریباً نزدیک به زمانه‌ی نگارش طومارهای بالا)؛ قطر: ۱۹.۷۰ سانتی‌متر؛ به خط پهلوی بر آن نوشته‌شده: «انوش‌زاد»؛ پیداشده از تبرستان، ایران؛ نگهداری در باستان‌خانه‌ی بریتانیا